

بررسی تصویرپردازی افعال حرکتی در سوره مبارکه شعراء

علی اسودی^۱

چکیده

تصویرپردازی به عنوان یکی از جنبه‌های ادبی کلام می‌باشد و در این میان، نظریه پردازان معاصر با کنکاش درباره تصویر در قرآن کریم به ریشه‌یابی این صنعت بلاغی پرداخته‌اند. در میان سوره‌های قرآنی، سوره شعراء در بردارنده تصاویر متعدد از سرگذشت اقوام پیامبرانی چون نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم‌السلام است. شاکله اصلی سرنوشت این اقوام را، حرکت و تکاپو تشکیل داده است، به این جهت در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی نوع افعال حرکتی در تصویرپردازی این داستان‌ها و دلیل سیطره و غلبه آن‌ها بررسی خواهد شد. غلبه افعال حرکت انتقالی بر سایر افعال، دال بر تصویر موزون و ملموس داستان‌ها بوده و با تصاویری آکنده از عذاب‌های عظیم منسجم شده است. در میان افعال حرکت انتقالی نیز، حرکت انتقالی افقی بیش از سایر افعال نمود پیدا کرده که این امر نشان دهنده بازتاب اعمال آدمی به خود است؛ زیرا شاخص‌های افعال حرکتی انتقالی افقی که همان آمدوشد، مدت غیاب و حضور، سرعت و قدرت است با شاخص‌های برگزشت عمر هر انسان به خود هم‌مسیر است. نتیجه عمر انسان‌ها در فواصل زمانی مختلف حضور پیدا می‌کند و با سرعت و قدرت متناسب در هر زمان خود را در زندگی فرد بروز می‌دهد. از این رو، در این سوره که آکنده از ترسیم سرنوشت اقوام گذشته بوده، شاهد به کاربردن این نوع افعال حرکتی هستیم که همواره دال بر بازگشت عمل هر انسان به خود است و به این ترتیب ارتباط مضمون بیش از پیش در این سوره نمود پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: قرآن، سوره شعراء، داستان پیامبران، تصویرپردازی، افعال حرکتی.

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران asvadi@kha.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

مقدمه

تصویر و شکل دهی از جمله الطاف پروردگار است که نعمت‌های خود را بر مخلوقاتش به اتمام رسانده و آن را در آیه ۱۱ سوره اعراف ذکر کرده است؛ «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» (اعراف/۱۱)، «و در حقیقت، شما را خلق کردیم، سپس به صورتگری شما پرداختیم؛ آن‌گاه به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید پس [همه] سجده کردند، جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود.»

پیشینه حضور بحث تصویر در قرن دوم به کتاب "الحيوان" جاحظ بازمی‌گردد (جاحظ، ۱۹۳۸: ۱۳۱) پس از جاحظ، ابو هلال عسکری، معیار برتر شاعر بر شاعر دیگر را میزان تصاویر زیبا در کلام قلمداد کرد. (عسکری، ۱۹۸۴: ۷۲) و جرجانی نیز مسیر کلام را، مسیر تصویر و ترکیب معرفی می‌کند (جرجانی، ۱۳۹۸: ۱۹۳) با وجود این، متقدمان برای تصویر در بلاغت، جایگاهی جداگانه و مستقل در نظر نگرفتند و به دنبال شناسایی و معرفی آن در اقسام بیانی چون تشبیه و استعاره و کنایه بودند. این در حالی است که ناقدان و ادیبان معاصر، نگاهی متفاوت به مقوله تصویر داشته و آن را به عنوان یکی از بخش‌های مهم بلاغت معرفی کرده‌اند. در این میان، سید قطب در سال (۱۹۵۹م) اثر ماندگاری به نام التصوير الفنی فی القرآن الکریم از خود به یادگار می‌گذارد و برای تصویرسازی به عناصری مختلف چون موسیقی، زمان، مکان، حرکت، رنگ و تشخیص اشاره می‌کند. در واقع تصویر به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای تحلیلی قرآن کریم به شمار می‌رود. در میان سوره قرآن کریم، سوره شعراء را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از تصاویر مختلف معرفی کرد؛ چرا که این سوره در اواخر سال‌های حضور پیامبر ﷺ در مکه نازل شده و عقاید اسلام را در قالب تبشیر و انذار ریخته و به توصیف سرگذشت اقوام پیامبرانی چون نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم‌السلام پرداخته است. سرگذشت اقوام این پیامبران الهی همواره با عقوبت پروردگار مقرون می‌باشد، عقوبتی که طی آن، زمین دچار تحول درونی شگرفی می‌شود. در این میان، خداوند این اتفاقات را با عنصر حرکت به طرز هنرمندانه به تصویر کشیده است و به این دلیل، شاید بتوان ادعا کرد که حرکت، عنصر اصلی این قبیل از داستان‌های قرآنی به شمار می‌آید. در بازگردان آیات از ترجمه برگزیده تفسیر نمونه ناصر مکارم شیرازی استفاده شده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

در این میان، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی در زمینه تصویرسازی و به طور خاص عنصر حرکت نگاشته شده‌اند که همواره به بررسی عناصر تصویرپردازی به طور اجمالی در برخی اشعار و متون نهج البلاغه و برخی سوره قرآن کریم پرداخته‌اند که از این قبیل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- انسیه میرصابری، «تصویر هنر انسان در قرآن کریم با رویکرد ایمان و کفر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۹. اسلوب قرآن بر پایه تصویرپردازی بنا شده است و معانی از طریق زبان تصویر بیان می‌شود نه به زبان صریح و گزارش مستقیم. در این پژوهش تلاش شده است به جلوه‌هایی از هنر خارق العاده قرآن در صحنه‌پردازی و تجسم بخشیدن به برخی صحنه‌های مربوط به مؤمنان و کافران در دنیا و آخرت و خلق تصاویری زنده و بدیع اشاره شود.

۲- مرتضی میر قائمی، مجید صمدی، «تصویرپردازی‌های زنده در خطبه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه علمی پژوهشی الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها، ربیع، العدد ۱۸، ۱۳۹۰، صص ۱۳۱-۱۵۲. در این مقاله خطبه‌ای خاص در نظر گرفته نشده و فقط برای هر کدام از عناصر تصویرپردازی نمونه‌هایی را ذکر کرده و نگاهی کلی به این عناصر داشته‌اند.

۳- کبری خسروی، علی نظری، سمیرا جدی هکانی، «تصویرپردازی انسان در عرصه قیامت در جزء ۳۰ قرآن کریم»، مشکوة، ۱۳۹۲، شماره ۱۱۸، صص ۴-۲۸، محققان در این مقاله طی یک نگاه کلی به جزء ۳۰ اشاره می‌کنند که تمام سوره این جزء به غیر از دو سوره بینه و نصر مکی هستند و از لحاظ موضوع و رویکرد و آهنگ و شیوه بیان مشترک هستند و به بررسی سه نام از نام‌های قیامت - غاشیة، طامة و صاخة - بسنده می‌نمایند. این مقاله تمامی عناصر تصویر را بررسی نکرده است.

۴- بتول مشکین فام، مریم ولایتی، «نقش عنصر «حرکت» در حیات بخشی به تصاویر قرآنی و بررسی آن در جزء های ۲۸ و ۲۹ قرآن کریم»، تحقیقات علوم و قرآن حدیث، ۱۳۸۹، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۰۵-۱۳۸. محققان با در نظر گرفتن نظریات ادیبان متأخر چون سید قطب، محمد داود عنصر حرکت در تصویرپردازی را بررسی کرده و آن‌ها را با آیات قرآنی تطبیق داده‌اند. در این پژوهش حرکت‌ها بر اساس سریع، کند، دایره‌ها، افقی، درونی و ظاهری تقسیم‌بندی شده. و نتیجه دال بر آن است که کاربرد افعال قوی و سریع در آیات مکی بیش از آیات مدنی می‌باشد.

در این مقاله سعی بر آن است که به شیوه تحلیلی و پس از مباحث نظری در زمینه تصویر و تصویرپردازی از میان ۷۹ افعال حرکتی مورد نظر در داستان‌های پیامبران در سوره شعراء، به بررسی برخی از این افعال پرداخته شود.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- در سوره شعراء برای تصویرپردازی سرگذشت اقوام پیامبران از چه نوع افعال حرکتی استفاده شده است؟
- ۲- علت بهره‌برداری و غلبه بیشتر برخی افعال حرکتی در تصویرسازی داستان‌های سوره شعراء چه بوده است؟
- ۳- این افعال چه تأثیری بر دریافت مخاطب نسبت به پیام وحی داشته‌اند؟

۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- انواع متنوع حرکت از جمله حرکت موضعی، انتقالی، جهت محور و جز آن‌ها وجود دارد، اما به نظر می‌رسد محوریت اصلی حرکت در سوره شعراء، حرکت انتقالی افقی است.
- ۲- به نظر می‌رسد که علت غلبهٔ بیش‌تر افعال حرکتی انتقالی در داستان‌های این سوره را می‌توان با محتوای آن هماهنگ و همسو دانست.
- ۳- قرآن با عامل و عنصری چون حرکت به خوبی توانسته به تصویرسازی عمیق این سرگذشت‌ها پردازد و پیام خود را در قالب بشارت و انداز برای جهانیان ارایه دهد و بر مخاطبان خود تأثیری شگرف بگذارد.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت و ضرورت این پژوهش آشنایی با تعاریف نظری مرتبط با حرکت، استخراج نمونه‌های عینی و تطبیق با آیات قرآن کریم است تا به نتایج مطلوبی برسد. در این پژوهش به بررسی افعال حرکتی موجود در سوره شعراء می‌پردازد که در بردارندهٔ تصاویر متعدد از سرگذشت اقوام پیامبرانی چون نوح، هود، صالح، لوط و شعیب رضی الله عنهم است. قرآن به وسیلهٔ افعال حرکتی به خوبی توانسته است هدف و پیام خود را به صورت انداز و بشارت به مخاطبان و خوانندگان انتقال دهد.

۱-۵. روش پژوهش

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی ۷۹ افعال حرکتی در تصویرپردازی داستان‌های پیامبران در سوره شعراء بررسی خواهد شد. غلبهٔ افعال حرکت انتقالی بر سایر افعال، دلالت بر تصویر موزون و ملموس داستان‌ها دارد. در میان افعال حرکت انتقالی نیز، حرکت انتقالی افقی بیش از سایر افعال نمود پیدا کرده است.

۲. مفهوم تصویر و تصویرپردازی

از جمله نکات قابل توجه در یک متن ادبی، توصیف و تصویرپردازی آن است، به این معنا که یک متن ادبی خصوصاً متن داستانی و شعر باید آن چنان فضای موضوع نوشتار را ترسیم کند که خواننده خود را در آن فضا و محیط حس کند و هر قدر تصویرپردازی یک نوشتار روشن‌تر و شفاف‌تر باشد، مخاطب بیش‌تر مورد تأثیر قرار خواهد گرفت. قرآن کریم همان‌گونه که شاهکار فصاحت و بلاغت است، به لحاظ تصویرپردازی نیز در اوج قرار گرفته است. با مراجعه به این کتاب شریف، این نکته را به خوبی می‌توان دریافت. آن جا که قرآن کریم به توصیف بهشت و بهشتیان می‌نشیند، بهشت را آن‌گونه توصیف و ترسیم می‌کند که گویا صحنه‌های زیبا بهشت بر پرده‌ای از حریر در ذهن مخاطب به تصویر در می‌آید. تصویر تعریف‌های مختلفی دارد، از

جمله تصویر طر حواره‌ای مشخص با ویژگی خلق هنری یک مفهوم عینی و تثبیت آن در ذهن است. (Jonhson, 1987: 106)

در مفهوم اصطلاحی، عبدالقاهر جرجانی تصویر را تمثال آن چیز معرفی می‌کند که به وسیله چشم دیده و با عقل دریافت می‌شود (جرجانی، ۱۳۹۸: ۳۹۹)، درحقیقت جرجانی عقیده دارد که تصویر کمکی شایان به خلق مسایلی دارد که به وسیله حواس پنجگانه آدمی قابل لمس و مشاهده نباشد تا از این طریق قابل رؤیت باشند. در نتیجه چیزی که به کمک حواس ملموس شود به وسیله عقل نیز درک خواهد شد. عتیق نیز عقیده دارد که تصویر، زنده کردن ادراکات حسی بدون هیچ گونه تحولی در زمان و فقدان آن از حواس است. (عتیق، ۱۹۷۲: ۶۸) برخی ناقدان بر این باور هستند که تصویر با شکل قابل حس در الفاظ و جملات مترادف است. (ناصر، ۱۹۸۳: ۳) در نتیجه تصویر شامل عبارات و الفاظی است که ادیب، اثر ادبی را در آن می‌آفریند و درعین حال شامل خیالی است که در نتیجه عاطفه قوی به وجود می‌آید و ادیب آن را در اثرش بازتاب می‌دهد (خاجی، ۱۳۶۱: ۴۶).

۳. مفهوم تصویر از دیدگاه متقدمان و متأخران

ادبیات عربی از دیرباز مملو از تصاویر هنری و جذاب بوده که نشان از توجه بسیار خالقان و ادیبان خود دارد. بنابراین تصویر هنری در جهان ادب و نقد، مقوله‌ای جدید نیست، بلکه شعر و ادب از آغازین روزهایش بر آن استوار و به آن نیازمند بوده است (عباس، ۱۹۶۷: ۱۹۳) در این میان، نام ادیبان بزرگی چون جاحظ (۲۵۵ ق) ابن طباطبا (۳۲۲ ق)، قدامة بن جعفر (۳۳۷ ق)، آمدی (۳۷۱ ق)، ابوהלلال عسکری (۳۹۵ ق)، عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ق) به چشم می‌خورند که در این ارتباط نظریاتی پراکنده، اما در عین حال ثمربخش به ادبیات عربی ارائه داده‌اند که در ادامه به تشریح برخی می‌پردازیم:

کهن‌ترین سخن در مورد تصویر را در کلام جاحظ می‌توان جستجو کرد. او شعر را از صنعت و وزن‌ها را از بافت و نوعی تصویر در نظر می‌گیرد. (جاحظ، بی‌تا: ۱۳۱) ابن طباطبا نیز از تصویر به هنگام شرح تشابه میان عقل و معنا استفاده می‌کند. (ابن طباطبا، ۱۹۹۵: ۷۳)، این در حالی است که تعریف شاعر نزد جرجانی این گونه است که صورتی را انتخاب می‌کند که چشم را جادو و مبهوت می‌سازد و صورت‌های متناسف و ناموزون را در یک بیت قرار نمی‌دهد و دو معنا را در یک صورت بیان نمی‌کند. (جرجانی، ۱۳۹۸: ۴۵۰) تصویر در میان ادیبان متأخر نیز جایگاهی والا پیدا کرده، به نحوی که نگرشی جدید در تبیین آن مطرح می‌شود و آن را به عنوان بخشی مهم از بلاغت در نظر می‌گیرند. از آن جمله می‌توان به زکی مبارک، احمد شایب، سید قطب، جابر عصفور، ماهر فهمی اشاره کرد. زکی مبارک در مورد تصویر اذعان دارد که تصویر شعر، اثر شاعر است که به نحوی مرئیات را وصف می‌کند و مخاطب را در فضایی قرار می‌دهد که از خود می‌پرسد آیا این قصیده ای نوشته

شده بود که خواننده شد و یا منظره ای از مناظر بود که دیده شد. (زکی مبارک، ۱۹۹۳: ۶۳) تصویر ابزار تعبیر است. سید قطب نیز عقیده داشت اسلوب تصویر برخاسته از اعجاز قرآن می‌باشد که بر مؤمن و کافر اثربخش است (قطب، ۱۹۸۰: ۷) او دو نوع تصویر را در قرآن معرفی می‌کند: تصویر حسی که از جهان خارج گرفته می‌شود و تصویر خیالی که بر اساس خیال استوار است. سید قطب برای عمق بخشیدن به تصاویر قرآنی، عناصری را در نظر گرفت که رنگ، صدا، حرکت، رنگ، تشخیص را شامل می‌گردد. می‌توان سید قطب را پیش از معاصران خود پیشگام و اثرگذار در بررسی مقوله تصویر دانست، چراکه او تصویر قرآنی را تنها در مفهوم جمله منحصر ندانست. (عبدالسلام راغب، ۲۰۰۳: ۹۷) و نیز «تصویر مولود تصور زبان و پیچیدگی تجربه و نیز محصول نیروی بیان و کیفیتی در جمله است که موجب استحکام و روشنی بیان و زیبایی و شکوه آن می‌شود. « (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۷۸) «تصویر زبانی و واژه‌ای است که از آن مشتق شده، یعنی Imagination به معنای قوه تخیل و تصویر» (صباغ، ۱۹۸۳: ۴۸۹)، اما می‌توان تفاوتی اندک میان خیال و تصویر قایل شد: «خیال به معنای مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر شامل هر گونه بیان برجسته و مشخص. « (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۱)

۴. حرکت و انواع آن

از جمله عناصر تصویرپردازی، حرکت به شمار می‌آید که در پویایی وزنده کردن تصاویر، بسیار مؤثر است و موجب جلوه بیش‌تر تصاویر می‌شود؛ چراکه تمامی دنیا بر پایه حرکت و جنب و جوش استوار است. چرخش زمین، پیدایش شب و روز، آمدوشد فصل‌ها همه دال بر حرکت جهان هستند. همواره اندیشمندان نیز حرکت را مساوی زندگی و سکون را مساوی با مرگ دانسته‌اند. به دلیل این اهمیت، محمد داوود در کتاب خود افعال حرکتی را به این گونه تقسیم کرده است: افعال حرکتی به دو نوع انتقالی و موضعی تقسیم می‌گردند که هر کدام از دو مجموعه، شامل زیرمجموعه‌هایی متنوع هستند.

۴-۱. حرکت انتقالی

در نگاه کلی افعال حرکتی انتقالی از دو شاخص اساسی حرکت و انتقال تشکیل شده‌اند (داود، ۲۰۰۲: ۷۰)، در این نوع افعال، جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر و طی مسافتی بین مبدأ و مقصد جزو مؤلفه‌های اصلی است. افعال انتقالی از هشت زیرمجموعه تشکیل شده‌اند که در ادامه به بررسی هر یک خواهیم پرداخت:

الف- انتقالی مطلق: این نوع افعال به غیر از حرکت و انتقال، از شاخص‌های دیگر نیز برخوردار می‌باشد که از آن جمله می‌توان به گام برداشتن، شادی و سرور، سیر شبانه و دویدن در پی یکدیگر اشاره کرد. افعالی چون لعب از این نوع حرکت هستند (همان، ۱۱۵).

ب- انتقالی افقی: این نوع افعال از چهار شاخص اصلی حرکت، انتقال، رفتن و آمدن تشکیل شده اند (همان، ۱۱۸)، اما شاخص‌های دیگر را نیز به همراه خود دارند که از آن جمله می‌شود به مواردی چون مدت غیاب، نزدیکی مسافت، سرعت و قدرت اشاره کرد. افعالی مانند ذهب و سافر از این دسته هستند (همان، ۱۴۵).

ج- انتقالی جهت محور: این نوع افعال از سه شاخص اصلی حرکت، انتقال و جهت محور تشکیل گردیده‌اند. (همان، ۱۷۲)، اما شاخص‌های دیگر را نیز برای آن‌ها عنوان کرده اند که می‌توان به ثبات شیء پس از حرکت محور، سختی حرکت، اهمیت شیء به حرکت درآمده، حرکت و تتابع حرکت، اشاره نمود. این فعل به دو محور بالا و پایین تقسیم می‌شود، فعلی چون رفع، از این دسته است (همان، ۱۹۰).

د- انتقالی قدرتی: این افعال از سه شاخص اصلی حرکت، انتقال و قدرت پدید آمده‌اند (همان، ۲۲۸) اما شاخص‌های دیگر، مانند به سمت بالا انداختن و سرعت را نیز با خود همراه کرده که از آن میان می‌شود افعال زیر را نام برد: دفع، رمی و شد. (همان، ۲۵۲)

ه- انتقالی انعطافی: این افعال از سه شاخص اصلی حرکت، انتقال و انعطاف شکل گرفته و شاخص‌هایی دیگر چون انعطاف، ارتباط حرکت چرخشی با شیء را نیز شامل می‌گردند و افعالی چون انحراف، حلق و دحرج از این نوع افعال هستند. (همان، ۲۶۹)

و- انتقالی سرعتی: این افعال از سه شاخص اصلی حرکت، انتقال و سرعت ساخته شده (همان، ۲۷۱)، ولی به طور خاص شاخص‌های دیگر همانند بهره بردن از پا، اهتمام و جدیت، ناگهانی بودن را هم دربر می‌گیرند. افعالی چون جر، خهف و طار از این نوع افعال به شمار می‌آیند. (همان، ۳۰۸)

ز- انتقالی مکانی: این حرکت به طور عام از سه مشخصه اصلی حرکت، انتقال و عبور از موضع مشخص تشکیل شده، برای نمونه می‌توان افعالی چون جاوز و زحلق را نام برد. (همان، ۳۴۵)

ح- انتقالی مختص مایعات: این افعال از دو مؤلفه اصلی حرکت و انتقال و چند مؤلفه فرعی با نام‌هایی مانند حرکت در دریا، حرکت مایعات بر سطح و اضطراب و تداخل به سان سیح و سال تشکیل یافته‌اند. (همان، ۳۴۵)

۲-۴. حرکت موضعی

فعل حرکت موضعی همواره، از دو شاخص اصلی حرکت و موضع برخوردار است. در این نوع فعل، جا به جایی و طی کردن مسافتی بین مبدأ و مقصد وجود ندارد، بلکه شخص و یا شیء در مکان خود حرکاتی را انتقال می‌دهد. این فعل حرکتی نیز دارای شش زیرمجموعه می‌باشد که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

الف- موضعی قدرتی: این فعل علاوه بر حرکت و موضعیت از مؤلفه قدرت نیز بهره برده است. افعالی چون ضغط و صارع از این دسته هستند. (همان، ۳۸۴)

ب- موضعی احتکاک‌کی: این افعال افزون بر شاخص‌های اصلی چون حرکت و موضع و احتکاک با شاخص‌های فرعی مانند قدرت، ضعف و آرامش نیز همراه هستند. در این افعال دو شیء، با یکدیگر تماس برقرار می‌کنند. افعالی چون حک، مس و مرّ از این دسته هستند (همان، ۴۱۵).

ج- موضعی لرزشی: این افعال علاوه بر شاخص‌های اصلی حرکت و موضعیت ولرزش از شاخص‌های فرعی چون قدرت، سرعت، ضعف و حس شاد پدید آمده‌اند. افعالی چون ارتعش از این نوع افعال به شمار می‌آیند. (همان، ۴۳۳)

د- موضعی اعضای بدن: این افعال از سه شاخص اصلی حرکت و موضعیت و همراه شدن با حرکت دست تشکیل یافته‌اند و محور حرکت با اعضای صورت شکل می‌گیرد که از این دسته می‌توان افعال زیر را نام برد: صفق و اشار. (همان، ۴۸۰)

ه- موضعی مختص مایعات: این افعال فقط مخصوص مایعات هستند و حرکت و موضعیت و مخصوص مایع بودن سه شاخص اصلی آن به شمار می‌روند. افعالی چون فار و غمس در این دایره می‌گنجد. (همان، ۵۱۴)
و- موضعی مطلق: در این نوع فعل، حرکت و موضعیت دو مؤلفه اصلی به شمرده می‌شوند و افعالی مانند ثنی در این گروه قرار می‌گیرند. (همان، ۵۵۷)

۵. نگاه اجمالی به سوره شعراء و محورهای آن

سوره شعراء از سوره‌های مکی قرآن و چهل و هفتمین سوره به ترتیب نزول و دارای ۲۲۷ آیه است. نام گذاری این سوره به شعراء به دلیل سخن گفتن درباره شاعران در آیاتی از آن می‌باشد. از آن جا که این سوره با «طسم» شروع می‌شود، آن را جزو سوره‌های طواسین دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۲/۱۹، طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۴۴/۱۵) هدف اصلی این سوره را دل‌داری به پیامبر در برابر تکذیب‌ها و تهمت‌های قومش دانسته‌اند. (طباطبایی، همان). هم‌چنین آیه انذار نیز در این سوره نازل گشته که در آن پیامبر اسلام ﷺ مأمور شد تا خویشانش را به اسلام بخواند و آنان را بیم دهد. این سوره داستان‌های حضرت موسی ﷺ و فرعون، حضرت ابراهیم ﷺ، نوح، هود، صالح، لوط، و شعیب ﷺ را روایت می‌کند و دربرگیرنده ده محور است که بیش‌تر آن‌ها داستان برخی از پیامبران را به تصویر می‌کشد، هم‌چنان که دارای یک مقدمه (محور اول) و پایان (محور دوم) می‌باشد که به روح قصه و محتوای آن آسیبی وارد نمی‌سازد و بیش‌تر به نزول قرآن و سخن خطاب به پیامبر ﷺ می‌پردازد.

محورها به شرح زیر است:

محور اول: نزول قرآن و عکس‌العمل مشرکان و کافران؛

محور دوم: قصه حضرت موسی ﷺ

محور سوم: قصه حضرت ابراهیم علیه السلام

محور چهارم: سعادت و عذاب

محور پنجم: نوح علیه السلام

محور ششم: عاد علیه السلام

محور هفتم: صالح علیه السلام

محور هشتم: لوط علیه السلام

محور نهم: شعیب علیه السلام

محور دهم: سخن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله

آغاز، میان و پایان این سوره مطابق با محورهای داستان پیامبرانی است که به مردم خود هشدار می‌دهند و آن‌ها را به راه راست هدایت می‌کنند. راه و روشی که همه پیامبران تا خاتم الانبیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله از آن پیروی می‌نمودند.

۵-۱. داستان موسی علیه السلام

این داستان از نظر حجم، طولانی‌ترین داستان موجود در سوره می‌باشد که از آیه دهم آغاز گردیده و تا آیه شصت و هشتم ادامه می‌یابد. از آن هنگام که خداوند حضرت موسی علیه السلام را برای هشدار به فرعون و قوم ظالمش فرستاد. موسی علیه السلام به دلیل قتلی که سهواً به آن مرتکب شده بود، پیامی دریافت کرد و از خداوند یاری جست. سپس نزد فرعون، به گفتگوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با او پرداخته می‌شود، آن هنگام که فرعون حضرت موسی علیه السلام را مورد تمسخر قرار داد و از او خواست تا برای اثبات یکتا پرستی معجزه‌ای به میان آورد، پس موسی عصایش را به زمین افکند و عصا تبدیل به ماری بزرگ گشت، سپس دستش را به جیب خود برد و بیرون آورد و آن‌گاه دستش هم‌چون ستاره‌ای می‌درخشید. در این هنگام فرعون از او خواست تا با جادوگران به رقابت پردازد؛ چرا که کار او را نوعی جادو تلقی می‌کرد، اما وقتی جادوگران نیز به معجزه الهی پی بردند، به خداوند یکتا ایمان آوردند. روزی موسی علیه السلام به همراه قومش به سمت شرق روانه شدند تا از شهر خارج شوند. زمانی که به رود نیل رسیدند، رود با ضربه عصای حضرت موسی علیه السلام و به اذن الهی شکافته گشت و از آن عبور کردند، اما فرعون و سربازانش که به دنبال آن‌ها آمده بودند تا آن‌ها را به مصر برگردانند، در رود غرق گشتند.

۵-۱-۱. افعال حرکتی موجود در داستان موسی علیه السلام

با توجه به بخش پنجم داستان حضرت موسی علیه السلام در این سوره، برانگیخته شدن این پیامبر، معجزات و سفر او به همراه قومش به سمت شرق و هم‌چنین بیان حالات عاطفی و روانی خود، این قصه دربرگیرنده حرکت و افعال آن است، بنابراین حرکت پویا و دینامیکی داستان، این قسمت‌ها را شامل می‌شود:

افعال حرکتی در این داستان که در آیات مرتبط آورده شده‌اند، از این قرار می‌باشند:

"وإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ" (شعراء/۱۰)، "[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که خود را به قوم ستمکار برسان." "وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسَلُ إِلَىٰ هَارُونَ" (شعراء/۱۳)، "و سینه ام [از این وظیفه سنگین] تنگی می‌کند، و زبانه روان و گویا نمی‌شود، پس به سوی هارون هم [پیام نبوت] بفرست [تا مرا در این وظیفه سنگین یاری دهد]." "قَالَ فَأَنْتَ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ" (شعراء/۳۱)، "گفت: اگر راستگویی آن را بیاور." "فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ" (شعراء/۳۲)، "پس عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی حقیقی نمایان شد." "وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءٌ لِلنَّاطِرِينَ" (شعراء/۳۳)، "و دستش را [از گریانش] بیرون آورد و ناگهان برای بینندگان سپید و روشن بود." "قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ" (شعراء/۳۴)، "[فرعون] به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این جادوگری بسیار ماهر و داناست!" "يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ" (شعراء/۳۵)، "می‌خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس شما چه نظر می‌دهید؟" "قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ" (شعراء/۳۶)، "گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و گروهی گردآورنده را به شهرها روانه کن"

داستان حضرت موسی <small>عليه السلام</small>	افعال حرکتی
حالات منفی (یضیق، ینطلق): موضعی مطلق شَقَّ الْبَحْرَ (إِصْرِبْ): موضعی قدرتی	حرکتی موضعی
أَرْسَلَ، فَأَرْسَلَ: انتقالی جهت محور جِئْتُ بِالْسلْطَانِ: انتقالی جهت محور فَأْتِ بِهِ؛ يَأْتِ بِكُلِّ حَارٍ عَلَيْهِمْ: انتقالی جهت محور إِلْتَقُوا، أَلْفُوا، أَلْفَى فَأَلْفَى: انتقالی قدرتی فَأَخْرَجْنَاهُمْ: انتقالی قدرتی	حرکتی انتقالی

۵-۲. داستان ابراهیم عليه السلام

قصه حضرت ابراهیم عليه السلام بخش دوم از داستان‌های پیامبران در سوره شعراء است که از آیه ۶۹ تا ۸۹ را دربر می‌گیرد. در طول این قصه، ابراهیم عليه السلام بر گفتار و بحث و جدل با پدرش (عمویش آذر) درباره موضوع بت پرستی و اثبات یکتا پرستی و تفهیم اشتباه و گمراهی پدران و اجداد آن‌ها می‌پردازد، از این رو شرایطی را فراهم می‌سازد تا امر پرستیدن بت‌ها را محدود سازد و در فرجام از بین ببرد.

۵-۲-۱. افعال حرکتی موجود در داستان ابراهیم علیه السلام

جالب توجه است که در این قصه هیچ گونه افعال حرکتی در شکل اصلی خود وجود ندارد؛ زیرا داستان درباره مفهوم استدلال و بیان مسایل منطقی است که در آن عناصر عقلانی و اعمال وابسته به قدرت خداوند هم چون آفرینش، هدایت، شفابخشی، امانت داری، احیا و پرستش نمود می‌یابد. همه این امور غیر حرکتی و مطابق با عملکرد آن‌ها و بیانگر دعوت به دین و تفهیم و درک امور غیر حسی و منطقی است. افعال از این قرار می‌باشند:

تعبدون / نعبد / یسمعون / ینفعون / یضرون / وجدنا / یفعلون / رایبهم / خلقنی / یطمئنی / یسیقین / مرضت / یشفین / یغفر / اطعم

قسمت پایانی این بخش نیز شامل ادعیه حضرت ابراهیم علیه السلام می‌شود و مانند بخش های پیشین فاقد افعال حرکتی می‌باشد:

«رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»؛ «پروردگارا، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای» (شعراء/ ۸۳) «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ «و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار» (شعراء/ ۸۴) «وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ»؛ «و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان» (شعراء/ ۸۵) «وَأَغْفِرْ لِأَيِّبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ «و پدرم [یعنی عمویم] را ببامرز، که او از گمراهان بود» (شعراء/ ۸۶) «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ»؛ «و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند رسوایم مکن» (شعراء/ ۸۷) «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»؛ «روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد» (شعراء/ ۸۸) «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»؛ «مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد» (شعراء/ ۸۹)

۵-۳. داستان نوح علیه السلام

این بخش، از آیه ۱۰۵ تا آیه ۱۲۲ را شامل می‌شود و به داستان نوح علیه السلام اشاره می‌کند که قوم خود را به پرهیزگاری و اطاعت از خداوند دعوت می‌نماید و در مقابل پاسخ تمسخرآمیزی را از سوی آنان دریافت می‌نماید. داستان، در دفاع قاطع نوح علیه السلام از مؤمنان و پاسخ همراه با درک و فهم آنان ادامه می‌یابد. پیامبر، از این‌که اگر آنان را نجات ندهد، مورد نفرین واقع خواهد شد، ناامید می‌گردد و خطاب به خداوند می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «گفت: پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند میان من و آنان فیصله ده، و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش» (شعراء/ ۱۱۷-۱۱۸). بنابراین نوح علیه السلام و مؤمنان همراه او نجات پیدا می‌کنند و بار دیگر تصدیق آن را در این آیات در می‌یابیم: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ ثُمَّ أَعْرَفْنَا عُذُّ الْبَاقِينَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ

أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ «پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود، رها نیدیم؛ آن گاه باقی ماندگان را غرق کردیم قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود، [ولی] بیش ترشان ایمان آورنده نبودند.» (شعراء/۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱).

۳-۵. افعال حرکتی موجود در داستان نوح علیه السلام

افعال حرکتی در داستان نوح علیه السلام، چهار فعل می باشد: الاتباع، الطرد، الفتح و الاغراق. هنگامی که پیامبر خدا مورد خطاب واقع می شود: «قَالُوا أُنُومُنُ لَكَ وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ»، «گفتند: آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟» (شعراء/۱۱۱) سپس پاسخ می دهد: «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ»، «و من طردکننده مؤمنان نیستم» (شعراء/۱۱۴) آن گاه از خداوند طلب می کند: «فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَتْحاً وَ نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، «میان من و آنان را فیصله ده، و من و هر کس از مؤمنان که با من است نجات بخش» (شعراء/۱۱۸).

داستان حضرت نوح <small>علیه السلام</small>	افعال حرکتی
فَأَفْتَحْ: موضعی قدرتی	حرکتی موضعی
اتَّبَعَكَ: انتقالی جهت محور أَغْرَقْنَا: انتقالی مایعات مَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ: انتقالی قدرتی	حرکتی انتقالی

۴-۵. داستان هود علیه السلام

این بخش از آیه ۱۲۳ آغاز شده و تا آیه ۱۴۰ ادامه می یابد. حضرت هود علیه السلام پیامبر قوم عاد بود و هم چون پیامبران پیشین، برای دعوت قوم خود به پرستش خدا و جلوگیری از پرستیدن بت ها و هشدار به آنها برای دست کشیدن از بنای خانه ها در تپه ها جهت بیهوده کاری و برافراشتن کاخ ها برای جاودانه ماندن و پروا کردن از او که ایشان را با دادن دامها و پسران و باغها و چشمه ساران داد، مأمور شده بود. هود علیه السلام قومش را به عذابی دردناک بیم می دهد. اما آنان او را به تمسخر می گیرند و سخنانش را کذب و دروغ برمی شمردند و به شهوت می پردازند و از حد می گذرند و اسراف می کنند و از هیئت عبودیت خارج می شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۴/۱۵).

«فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ»، «پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم. قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود، [ولی] بیش ترشان ایمان آورنده نبودند» (شعراء/۱۳۹).

۵-۴-۱. افعال حرکتی در داستان هود علیه السلام

افعال حرکتی در این داستان به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول فعل بطشتم هنگام خطاب به قومش: «وَ إِذَا بَطَشْتُمْ بِطَشْتُمْ جَبَّارِينَ»، «و چون حمله‌ور می‌شوید [چون] زورگویان حمله‌ور می‌شوید؟» (شعراء/۱۳۰) و فعلی منتسب به خداوند - آمدن - برای یادآوری آن‌چه که از فضل و رحمت خداوند که به قوم عاد داده شده است؛ «اتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ أَمَدُّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَ بَنِينَ وَ جَنَّاتٍ وَ عَيْونٍ»، «و بترسید از آن خدایی که شما را به آن‌چه خود می‌دانید مدد و قوت بخشید، شما را به [دادن] دامها و پسران مدد کردو به [دادن] باغها و چشمه‌ساراند» (شعراء/۱۳۲-۱۳۴).

داستان حضرت هود <small>علیه السلام</small>	افعال حرکتی
وَ إِذَا بَطَشْتُمْ : موضوعی احتکاکی	حرکتی موضعی
أَمَدُّكُمْ: انتقالی قدرتی	حرکتی انتقالی

۵-۵-۵. داستان صالح علیه السلام

قصه حضرت صالح علیه السلام حاوی آیات ۱۴۱ تا ۱۵۰ است. صالح علیه السلام پیامبر قوم ثمود بود، که قرآن کریم سرگذشت او را بعد از داستان هود علیه السلام نقل می‌کند. صالح علیه السلام آنان را به تقوی و اطاعت از خداوند و سپاس نعمت های الهی هم چون باغ‌ها، چشمه ها، مزارع و نخلستان ها فرا می‌خواند. قوم ثمود از او معجزه ای را می‌خواهند، در این هنگام به اذن الهی شتری از دل کوه بیرون می‌آید، صالح علیه السلام نیز از آنان می‌خواهد که شتر را نکشند و سهم آب آن مشخص باشد، اما آنان شتر را پی می‌کنند و عذاب الهی بر آنان نازل می‌شود.

۵-۵-۱. افعال حرکتی موجود در داستان صالح علیه السلام

افعال حرکتی در داستان حضرت صالح علیه السلام مرتبط با افعال قسمت های ساختن خانه توسط قوم ثمود: «وَ تَنْجِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتاً فَارِهِينَ»، «و هنرمندانه برای خود از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید.» (شعراء/۱۴۹). و درخواست‌های معجزه از پیامبر «فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ»، «اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور» (شعراء/۱۵۴) و آسیب نزدن و پی نکردن شتر است: «لَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»، «و به آن‌گزندی مرسانید که عذاب روزی هولناک شما را فرو می‌گیرد» (شعراء/۱۵۶).

افعال حرکتی این بخش، در دو شکل موضعی احتکاکی و انتقالی جهت محور هستند که نشان از نیروی تصویر پردازی ماهرانه در بیان قصه صالح علیه السلام و قوم ثمود دارد. قومی که به دلیل سرپیچی از دستورات الهی به عذابی بزرگ و دردناک دچار شدند و نابود گردیدند.

داستان حضرت صالح <small>علیه السلام</small>	افعال حرکتی
---	-------------

تَنْجُتُونَ: موضعی احتکاکی لا تَمَسُّوْهَا: موضعی احتکاکی	حرکتی موضعی
فَأْتِ بَآيَةٍ: انتقالی جهت محور فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ: انتقالی جهت محور	حرکتی انتقالی

۵-۶. داستان لوط عليه السلام

قصه حضرت لوط عليه السلام از آیه ۱۶۰ آغاز می‌گردد و تا آیه ۱۷۵ ادامه می‌یابد؛ «كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطِ الْمُرْسَلِينَ، إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ»، «قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت: آیا پروا ندارید؟» (شعراء/۱۶۰-۱۶۱)، در آیات آغازین این داستان خداوند از لوط به عنوان برادرشان تعبیر کرده است، آنگاه که لوط عليه السلام قومش را به پرستش و اطاعت از خداوند و نهی از اعمال قبیح دعوت کرد ولی آن‌ها اجابتش نکردند و از حق تعالی اطاعت نمودند. بنابراین خداوند متعال او را به عذابی عظیم برآن قوم بشارت داد و به او امر کرد تا تمام اهل خانواده جز همسرش را که با کافران هم عقیده بود رهایی بخشد. طولی نکشید که قوم لوط به بدترین عذاب‌ها دچار گشتند.

۱-۶-۵. افعال حرکتی موجود در داستان لوط عليه السلام

افعال حرکتی در داستان لوط عليه السلام بر گرد محور افعال حرکتی انتقالی می‌چرخد. و به ترتیب در این آیات ذکر شده‌اند:

"أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ" (شعراء/۱۶۵)، "آیا شما از میان جهانیان با مردان آمیزش می‌کنید؟!"
 "وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ" (شعراء/۱۶۶)، "و آنچه را پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفریده رها می‌کنید؟ [برای این کار زشت بی سابقه، دلیل و برهان استواری ندارید] بلکه شما گروهی تجاوزکار [از حدود خدا و مرزهای انسانیت] هستید." "ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ" (شعراء/۱۷۲)، "سپس دیگران را نابود کردیم" "وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ" (شعراء/۱۷۳)، "و بارانی از سنگ گِل بر سر آنان بارانیدیم؛ پس بد بود باران بیم داده شدگان"

داستان حضرت لوط <small>عليه السلام</small>	افعال حرکتی
(نَجَّيْنَا/فَنَجَّيْنَاهُ) تَأْتُونَ: انتقالی جهت محور دَمَرْنَا: حرکتی انتقالی جهت محور أَمْطَرْنَا: انتقالی جهت محور نَجَّيْنَا/فَنَجَّيْنَاهُ: جهت محور	حرکتی انتقالی

۵-۷. داستان شعیب علیه السلام

آخرین داستان این سوره که آیات ۱۷۶ الی ۱۹۱ را در برمی گیرد، قصه حضرت شعیب علیه السلام و قومش می باشد که از اهالی مدین بودند. تمامی افعال حرکتی موجود در این بخش، افعال حرکتی انتقالی هستند. شعیب علیه السلام قوم خود را به تقوا و اطاعت از خداوند دعوت می نماید، اما آنان او را انکار می کنند و به سرزنش و تمسخر او می پردازند و به همراه پیروانش از مدین اخراج می کنند. سرانجام خداوند آنان را به عذاب زلزله مبتلا ساخت و شهر و مردمش را نابود کرد. به افعال حرکتی این داستان در آیات ذیل اشاره شده است:

"وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ" (شعراء/۱۸۲)، "و [متاع و کالا را] با ترازوی درست وزن کنید." "فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ عَظِيمٌ" (شعراء/۱۸۹)، "پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه عذاب روز سایبان [یعنی روزی که ابری تیره و صاعقه زا سایه می اندازد] آنان را فرا گرفت، همانا آن عذاب روزی بزرگ بود."

داستان حضرت شعیب <small>علیه السلام</small>	افعال حرکتی
خَلَقَكُمْ: انتقالی جهت محور فَأَسْقُطُ: انتقالی قدرتی	حرکتی انتقالی

نتیجه گیری

۱. توصیف و تصویر پردازی از نکات بسیار مهم در یک متن ادبی است، و این ویژگی در قرآن کریم که از فصاحت و بلاغت برخوردار می‌باشد، به اوج خود رسیده است. قرآن کریم سرشار از توصیفات و تصویر پردازی است و تمامی مطالب هم‌چون توصیف بهشت و جهنم را به زیبایی به تصویر می‌کشد. از جمله عناصر تصویرپردازی، حرکت نام دارد که در پویایی و زنده کردن تصاویر، بسیار مؤثر و موجب جلوه بیش‌تر تصاویر است. قرآن کریم نیز سرشار از افعال حرکتی می‌باشد و خداوند متعال هدف و منظور خود را به وسیله ابزار حرکت به خوبی به مخاطبان شناسانده است؛

۲. علت غلبه افعال حرکت انتقالی در داستان های این سوره را می‌توان با محتوای آن هماهنگ و همسو دانست، چراکه داستان‌های سوره با عذاب‌های گوناگون الهی همراه می‌باشد. این دسته از عقوبت‌ها و مجازات‌ها که آکنده و سرشار از تحول درونی عظیم و طاقت فرسا است، جز با افعال حرکت انتقالی که خود دال بر حرکت بزرگ و جابه جایی هستند میسر نمی‌گردد. حال آن‌که در میان افعال حرکت انتقالی، افعال انتقالی افقی پررنگ‌تر از سایر حرکت‌ها به نظر می‌آید که می‌توان حکمت آن را در بیان بازتاب اعمال انسان به خود بررسی نمود. خداوند نیز تصویر ساز اقوام هلاک شده پیامبران، همواره عامل نابودی آنان را اعمال زشت و قبیح خودشان می‌داند و نشان می‌دهد تمامی زندگانی آن‌ها بر یک محور افقی در حال حرکت بوده تا عذاب امروز شان نتیجه و بازتاب همان اعمال ناپسند گذشته شان بوده است. و برای بیان و انتقال این مفهوم از افعال حرکت انتقالی افقی بهره گرفته تا تصاویر پر معنا و ملموس در اختیار آیندگان بگذارد؛

۳. در میان افعال حرکتی به کار رفته شده در تصویرسازی داستان های سوره شعراء، ۳۴ مرتبه از افعال انتقالی افقی، ۹ مرتبه از انتقالی مطلق، ۸ مرتبه از انتقالی جهت محور، ۶ مرتبه از انتقالی مکانی، ۶ مرتبه از انتقالی سرعتی، ۵ مرتبه از انتقالی قدرتی و ۱ مرتبه از انتقالی مختص مایعات استفاده شده است. هم چنین افعال موضعی قدرتی ۳ مرتبه، موضعی اعضای بدن ۱ مرتبه، موضعی مختص مایعات و موضعی مطلق ۳ بار نمایان شده اند که این موارد غلبه افعال انتقالی افقی را بر داستان پیامبران نشان می‌دهد؛

۴. افعال حرکتی به کار رفته در داستان ها کمک رسان انتقال مفاهیم قرآنی به مخاطب بوده است. این افعال زمانی خود را بیش‌تر عرضه کرده اند که با محتوای قصه ها نیز هم مسیر شده و پویایی تصاویر را به دنبال داشته و بر مخاطب اثرگذار بوده اند. محوریت اصلی افعال انتقالی افقی در عبرت پذیری نمایان می‌شود. افعال انتقالی مطلق نیز شدت و قدرت پیدایش عذاب‌های مختلف را نشان می‌دهند. حرکت در این داستان ها موجب شده که مخاطب هم‌چون دانای کل تمام اتفاقات را رصد کند و از سرانجام آن‌ها آگاه گردد؛ چراکه خود را در آن صحنه‌ها حاضر و ناظر می‌بیند. قرآن با ابزاری چون حرکت به خوبی توانسته به تصویرسازی عمیق و ملموس در این سرگذشت‌ها دست بزند و پیام خود را در قالب تبشیر و انذار برای جهانیان به نمایش بگذارد.

منابع و مآخذ

۱. ابن طباطبا، ابوالحسن محمد (۱۹۵۶)، عیار الشعر، تحقیق طه الحاجر و محمد زغلول سلام، قاهرة: المكتبة التتارية الكبرى.
۲. جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۳۸)، الحيوان، تحقيق عبدالسلام هارون، بيروت: دار احياء التراث العربي.
۳. جرجاني، عبدالقاهر (۱۹۹۸)، دلائل الاعجاز في علم المعاني، تحقيق محمد عبده و محمد محمد و التركز الشنقيهي، بيروت: دارالمعرفة.
۴. خاجي، محمد عبدالمنعم، (بي تا)، دراسات في النقد العربي الحديو ومذاهبه، قاهرة: دارالطبعة المحمدية.
۵. خسروي، كبرى، على نظري، سميرا جدى هكاني (۱۳۹۲)، «تصويرپردازی انسان در عرصه قيامت در جزء ۳۰ قرآن كريم»، مشكوة، شماره ۱۱۸، صص ۴-۲۸.
۶. راغب، عبدالسلام احمد (۲۰۰۳)، وظيفة الصورة الفنية في القرآن الكريم، حلب: فصلية الدراسات والترجمة والنشر.
۷. شفيعى كدكنى، محمدرضا (۱۳۷۰)، صور خيال در شعر فارسي، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
۸. صباغ، محمد (۱۹۸۳)، التصوير الفنى فى الحديث النبوى، الطبعة الأولى، بيروت: المكتب الاسلامى.
۹. طباطبايى، سيد محمدحسين (۱۴۱۷ق)، الميزان فى تفسير القرآن، چاپ پنجم قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۰. طبرسى، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: دار الكتب الاسلامية.
۱۱. عباس، احسان (۱۹۶۷)، تاريخ النقد الادبى عند العرب، بيروت: دارالشروق للنشر و التوزيع.
۱۲. عتيق، عبدالعزيز (۱۹۷۲)، فى النقد الادبى، بيروت: دارالنهضة العربية.
۱۳. عسكرى، ابو هلال (۱۹۸۴)، الصناعتين فى الكتابة والشعر، بيروت: دارالكتب العلمية.
۱۴. قطب، سيد (۱۹۸۰)، التصوير الفنى فى القرآن الكريم، بيروت: دارالشروق.
۱۵. مبارك، زكى (۱۹۹۳)، الموازنة بين الشعراء، بيروت: دار التى.
۱۶. محمد داود، محمد (۲۰۰۲)، الدلالة والحركة، قاهرة: دار الغريب.
۱۷. مكارم شيرازى، ناصر (۱۳۸۲)، برگزیده تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الاسلامية.
۱۸. مير قائمى، مرتضى، مجيد صمدى (۱۳۹۰)، «تصويرپردازی های زنده در خطبه های نهج البلاغه»، فصلنامه علمى پژوهشى الجمعية الايرانية للغة العربية وآدابها، ربيع، العدد ۱۸، صص ۱۳۱-۱۵۲.
۱۹. ميرصابرى، انسيه (۱۳۸۹)، تصوير هنر انسان در قرآن كريم با رويکرد ايمان و كفر، پايان نامه كارشناسى ارشد دانشگاه الزهراء.

۲۰. ناصف، مصطفی (۱۹۸۳)، الصورة الادبية، بيروت: دار الأندلس.
۲۱. ولایتی، مریم، بتول مشکین فام (۱۳۹۴)، نقش عنصر حرکت در حیات بخشی به تصاویر قرآنی و بررسی آن در جزءهای ۲۸ و ۲۹ قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره اول، صص ۱۰۵-۱۳۸.
22. Johnson, Mark, (1987), The body in mind. Chicago and London, the University of Chicago press.